

پرویز آفتابی، کاشف چهره های مطرح فوتبال

وقتی از گذشته فوتبال اردبیل سخن به میان می آید مرور خاطرات خوش گذشته می تواند در روزهای سخت کرونایی برای انسان لحظه های شیرینی رقم بزند.

فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ اردبیل برای خود عالم دیگری داشت و حتی در دهه ۷۰ نیز روزگار بر وفق مراد این رشته پرترفدار بود.

نشستن به پای صحبت کسانی که در آن روزهای خوش در صحنه بوده، فوتبال بازی کرده و برای سربلندی اردبیل عرق ریخته و در سرما و گرما به عشق فوتبال تلاش کرده اند موهبت بزرگی است که هر از چندی نصیب ما می شود و از این بابت خدای بزرگ را شاکر و سپاسگزاریم که بر ما این توفیق را عطا فرموده است تا ستاره های درخشان و عاشق روزهای خوب و پرغرور فوتبال اردبیل را به نسل جوان معرفی بکنیم و زحمات و از خود گذشتگی آن ها را در دل تاریخ فوتبال منطقه به یادگار بگذاریم.

آنهایی که تازگی ها در فوتبال اردبیل پیدا شده اند وقتی برای گفتن حرفی نداشته باشند دست به دامن برخی ها می شوند تا نوشته های آنها را منتشر بکنند. آنها فکر می کنند با این وسیله می توانند برای خود حاشیه امنی درست نمایند.

سال هایی که برای فوتبال اردبیل زحمت کشیده شده و این رشته ورزشی را در سطح کشور به عنوان یک رقیب معرفی کرده است اینها نبودند کلاش بودند که و امروز چنین بی محابا نگویند که به فوتبال اردبیل چه کارها شده است.

فوتبال اردبیل در منطقه مطرح ترین بوده و حاصل آن تربیت و پرورش و معرفی چهره هایی است که امروز در سطح کشور نام آورند و پُر آنها را آقایان می دهند. برای فوتبال اردبیل کار زیاد انجام شده بود که متأسفانه آنهایی که از ته دل با آن دشمنی داشتند در قالب دوست ضربه ها به آن زدند و به وضع امروز دچارش ساختند.

روی این اصل است که تا از گذشته فوتبال اردبیل سخن به میان می آید آنها که در نابودی آن سهمیم بوده اند دست و پای خود را گم می

کنند و می خواهند با به راه انداختن مجموعه ای از توهین ها و تهمت ها با غبارآلود کردن فضا، حاشیه ای امن برای خود ایجاد نمایند. فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ اردبیل برای این قبیل افراد کابوسی دردآور است. کابوسی که می تواند هراس بر جان و تن آنها مستولی بکند. پشت کردن به گذشته فوتبال اردبیل ناسپاسی به زحمات جمعی مخلص و عاشق است و هیچ شکی نیست که پرده کشیدن بر روی واقعیت نوعی ناسپاسی به درگاه احدیت می باشد.

به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس

به دلش اندر آید ز هر سو هراس

این که چرا باید از روزهای خوش گذشته چشم پوشی شود و با مطالب سفارشی و ایجاد جو وحشت همه خوبی های آن دوره زیر سؤال رود گذشت زمان مشخص خواهد کرد.

جاهلان را نیست آگاهی ز حال خویشتن

خفته دائم خویش را بیدار می بیند به خواب

فوتبال اردبیل گلچینی از بهترین یاران را پرورش و درس محبت، ایثار، اخلاق و بزرگی داده است. نام و یاد آنها تا ابد زینت بخش کتاب فوتبال اردبیل خواهد بود.

پرویز آفتابی یکی از این چهره هایی است که زندگی خود را از یازده سالگی با فوتبال گره زده و اینک که عمری را پشت سر گذاشته است همچنان با فوتبال همراه است و پیوندی را که از نوجوانی با آن بسته استوار و پابرجا نگاه داشته است.

پرویز در سال ۱۳۴۵ در یک خانواده ورزشی و فوتبالی و در محله "قره دینک" که امروز به محله صفویه معروف است چشم بر جهان گشوده است. برادر بزرگ وی ناصر یکی از فوتبالیست های سرآمد دهه ۵۰ و ۶۰ بود. پرویز در یازده سالگی برای پا به توپ شدن از حمایت برادرش ناصر برخوردار شده بود و بنابراین به دلیل آشنایی خانواده با فوتبال مشکلی برای ادامه دادن این رشته وجود نداشت. او در سال ۱۳۷۲ ازدواج کرده و حاصل آن یک فرزند دختر و یک فرزند پسر می باشد.

دوران تحصیل

پرویز دوران ابتدائی را در مدرسه شاه اسماعیل و راهنمائی را در

دیباچ تحصیل کرده است. در دوره دبیرستان به ابومسلم می رود. دبیرستانی که در رقابت های آموزشگاهی و در رشته های مختلف با بهره بردن از جوانان جویای نام همواره به عنوان رقیبی سرسخت مطرح بوده است. تحصیل در دبیرستان ابومسلم او را در راه شناخت بیشتر از فوتبال در پیمودن راه موفقیت در این رشته کمک کرد و یاری نمود.

عضویت در تیم های مختلف

در ۱۱ سالگی برای اولین بار پیراهن تیم فریاد را که مخصوص بچه های محله قره دینک بود بر تن کرد و در ادامه در تیم های مختلف از جمله ائل سون، پاس، فجر سپاه، پیام پیکان در اردبیل و در تهران بانک ملی و اکباتان و بینس عضویت داشته است.

اولین مربی

پرویز آفتابی در سال ۱۳۸۰ از دنیای فوتبال در قامت بازیکن خداحافظی کرد. اولین مربی اش داود حسنی فرد بود. داودآقا یک چهره دوست داشتنی و یک مربی کاربلد بود که به فوتبال اردبیل خدمات قابل توجهی کرده است.

داودآقا در فوتبال اردبیل از یک جایگاه و موقعیت خاص بهره می برد و روی این اصل کسانی که در تیم های فوتبال با او کار کرده اند برایش حرمت خاص قائل هستند و آفتابی از این مربی نام آشنا آنچنان یاد می کند که کاملاً حرمتش نسبت به وی از لحن کلامش مشخص می گردد.

فوتبال دیروز و امروز

از او در ارتباط با فوتبال دهه ۵۰ و ۶۰ و فرق آن با فوتبال امروز سؤال می کنم. چنین جواب می دهد:

در روزگاری که ما فوتبال بازی می کردیم تیم های زیادی در سطح شهر فعال بودند. آنها در رده های مختلف سنی تیم داشتند، مدیران کار بلد و دلسوزی اداره امور فوتبال را بر عهده می گرفتند، مربیان شایسته و کار بلدی مسئولیت فنی تیم ها را بر عهده می گرفتند، ولی شرایط فعلی فرسنگ ها با ویژگی های فوتبال زمان ما فاصله دارد.

در آن روزگاران هر تیم به عنوان یک خانواده محسوب می شد تا جایی که برای فراهم کردن مقدمات ازدواج یک بازیکن همسر مربی به

خواستگاری می رفت.

دوستان صمیمی

یکی از آثار مثبت فوتبال برای من بهره بردن از دوستان صمیمی می باشد. از آن جمله می توان از تیمسار فریدون ترک حصار، احد عروجی، پرویز حدیثی و حیدر وطن خواه نام برد.

جام فلق

جام فلق یعنی اوج شکوفایی فوتبال اردبیل. از دل این جام، اردبیل بازیکنان بزرگی به فوتبال ایران معرفی کرد. بعد از دور اول فلق بود که تنی چند از بازیکنان به تیم های خارج از اردبیل جذب شدند و حتی بازیکن بزرگی چون مرحوم بایرامی به اردی تیم ملی دعوت شد.

دلایل موفقیت فوتبال اردبیل در جام فلق از نگاه پرویز آفتابی: مدیریت بی ادعا، تواضع مدیران و بازیکنان، وجود همدلی و تعصب در جامعه فوتبالی، انتخاب های منصفانه و بدون غرض و مرض مربیان و توجه و اهمیت دادن به جوانان.

جام عقاب

جام عقاب مؤثرترین فاکتورهای موفقیت و استعداد یابی و ایجاد انگیزه در بین جوانان را داشت. در جام عقاب استارت فصل فوتبالی اردبیل زده می شد. مرحوم هوشنگ چمن آرا عاشقانه برای برپایی و استمرار این جام تلاش می کرد. مغازه هوشنگ خان رختکن داوران بود و به طور کلی این جام نمونه ای از برگزاری یک دوره مسابقه فوتبال بود.

مربیگری

از سال ۱۳۸۰ با راه انداختن مدرسه فوتبال کار مربیگری را آغاز کرد. او چهره های زیادی را کشف و تحویل فوتبال کشور داده است. کریم انصاری فرد، سجاد شهباززاده، بهزاد بایرامی، مهرداد بایرامی، حبیب هوشیار، بهمن یوسفی ... از آن جمله می باشد.

او در تیم های مختلفی هم مربیگری کرده است. تیم های منتخب آموزشگاهی، جوانان پاس، منتخب اردبیل، تیم ملی ناشنویان، منتخب ایرانیان، تیم های پایه شهرداری، فجر، پیکان، مقاومت نگهبان و نیروجوان خلخال را می توان نام برد.

خاطره فوتبالی

*همراه با تیم پاس اردبیل برای دیدارهای دوستانه به قائم شهر رفته بودم. در خوابگاه یک جسم خارجی به چشمم فرو رفت و ناراحتی شدید من را موجب گردید. نادر پرستار که از همراهان تیم بود تا صبح پیگیر وضع چشمم شد تا این که زمینه رفع ناراحتی فراهم گردید. این کار او را هرگز نمی توانم فراموش بکنم. در حالی که همه و حتی برادرم خوابیده بودند او در کنار من ماند. این گونه رفتار کردن یعنی تعهد، امانت داری و درسی برای مدیریت مطلوب تیم های ورزشی.

* اولین گلم در ورزشگاه تختی اردبیل را در دیدار پاس و عقاب روی پاس طلایی مرحوم مقصود بایرامی به ثمر رساندم. ۱۶ ساله بودم و گل زدن با پیراهن تیمی چون پاس بسیار شادی آور بود. از فرط خوشحالی پریدم به بغل مرحوم هوشنگ چمن آرا کاپیتان تیم عقاب و او هم با دست کشیدن بر سرم تشویقم کرد.

* در دهه ۷۰ تیم قوی را برای اعزام به مسابقات آماده کرده بودم که در آستانه اعزام به دلیل نبود اعتبار از فرستادن آن خودداری کردند. من قطعه ای طلا فروخته و هزینه اعزام را تأمین کردم. البته بعد از بازگشت از مسابقات هزینه های انجام یافته را پرداخت کردند.

حبیب نجفلو

تکرار نشدنی، جنتلمن، منشأ خیر، اخلاق مدار و مدیری توانا در فوتبال که خدماتش چون نگینی در فوتبال اردبیل می درخشد.

اژدر عمی

خدمتگزاری بزرگ، در دوران کودکی نماد دنبال کردن و فرار نمودن، حامی از خود گذشته فوتبال، عاشق پاس بزرگ از یاد رفته. آن مرحوم بر گردن همه فوتبالیست های دهه ۵۰ و ۶۰ حق دارد. یادش گرامی.

عارف بزرگان

مردی تلاشگر که اگر یک دهه از اهمیتی که به فوتبال و پاس قائل بود به زندگیش توجه می کرد قضیه خیلی فرق می کرد. مرد پرتلاش و متعصبی که از گمنامان عرصه خدمت به فوتبال بود. روحش شاد.